

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ع. شفق

۱۶ دسمبر ۲۰۱۹

## جمهوری اسلامی، سپر بلای امپریالیسم امریکا در عراق

"تاریخ گواهی خواهد داد که شما با تانک های امریکانی بر عراق حاکم شدید ولی توک توک ها آن را از شما

خواهند گرفت!" (از شعارهای توده های قیام کننده عراقی علیه حاکمان این کشور)

بیش از یک ماه از قیام مردم عراق علیه نظام حاکم و حکومت دست نشانده امریکا در این کشور می گذرد و توده های تحت ستم عراق به رغم سرکوبهای فزاینده و وحشیانه نیروهای سرکوب دولت مرکزی و محاصره از سوی انواع و اقسام نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم از جمله از طرف نیروهای مسلح وابسته به سپاه قدس جمهوری اسلامی هر روز شدید تر از قبل، بر خواست خود یعنی "اسقاط النظام" (نابودی نظام) حاکم و سرنگونی دولت عادل عبدالمهدی با فشاری می کنند. در طول این مدت نه کشتار بی رحمانه تظاهر کنندگان با رقم بی سابقه حدود ۳۰۰ نفر در طی یک ماه، نه تهدید توده ها به اعدام و خشونت بیشتر علیه آنان، نه وعده اصلاح، نه استعفاى برخی مهره های حکومت دست نشانده حاکم برای حفظ کلیت نظام ضد خلقی موجود، نه اظهار همدردی فریبکارانه باند های ارتجاعی مختلف طبقه حاکم نظیر "مقتدا صدر" و "سیستانی" با قیام کنندگان، و بالاخره نه اعلام حکومت نظامی، هیچ یک باعث فروکش کردن آتش انقلاب توده ها علیه گردانندگان نظام حاکم نشده است. به عکس، روزی نیست که از میان توده های ستم دیده، نیروهای جدیدی چون دانش آموزان و دانشجویان به قیام مردمی عراق نپیوندند و خواستهای رادیکالتری را مطرح نکنند. اما پرسیدنی است که زمینه مادی این حد از جسارت انقلابی و از خود گذشتگی توده ها در مقابل دشمنان تشنه به خونشان و این درجه از عزم راسخ آنها برای تداوم مبارزات انقلابی با هدف تحقق خواستهای خود و رسیدن به پیروزی، چیست؟ بیشک کسانی که دچار ایده آلیسم و خرافات مذهبی نبوده و تبلیغات رسانه های ارتجاعی را اساس تحلیل های خود قرار نمی دهند، در جست و جوی ریشه های مادی و علل واقعی این قیام بی نظیر مردم عراق خواهند بود. این مقاله نیز به نوبه خود کوشیده است تحلیل و گزارش های غیر واقعی را که به منظور انحراف مسیر مبارزات انقلابی مردم تحت ستم عراق و اغتشاش در افکار عمومی صورت می گیرد، کنار زده و ضمن توضیح روند انقلابی که امروز در عراق جاری است باتکیه بر فاکت های واقعی، روشنگر دلایل و علل مادی و واقعی آن باشد.

به عنوان یک امر پایه ئی، دلیل و علت واقعی قیام گسترده کنونی مردم عراق را باید در رشد تضادهای عمیقی جست و جو کرد که پس از اشغال عراق توسط ارتش امریکا و سلطه این قدرت امپریالیستی، در طول سالها به تدریج روی

هم انباشته شده بودند که خود را در شکل غارت و چپاول ثروت های توده های محروم عراق، به راه انداختن جنگهای ارتجاعی و سرکوبهای سیستماتیک مردم از طریق دولتهای وابسته نشان داده است. این تضادهاست که امروز، سرانجام سر باز کرده و در شکل یک انفجار وسیع اجتماعی علیه ریشه این مصایب، نمود یافته اند. بنابراین با قاطعیت باید گفت که قیام امروز مردم عراق، علیه سلطه امپریالیسم و اشغالگری امپریالیستی می باشد که به صورت مبارزه علیه فقر و بیکاری در ابعاد باورنکردنی ناشی از این سلطه و اشغالگری، علیه گرانی و تورم و فقدان کمترین خدمات اولیه مورد نیاز توده ها نظیر برق و آب آشامیدنی و فساد باور نکردنی و نهادینه شده در دولت و سایر دستگاههای اداری ضد مردمی و در عین حال نا امنی بروز پیدا کرده است که از فعالیت های گروه های مسلح گوناگون تحت نام این یا آن قبیله و مذهب در جهت حفظ منافع امریکا، برای مردم به وجود آورده اند. مردم تحت سلطه عراق در شرایطی متحمل تمام این مصائب گشته اند که مطابق گزارش خبرگزاری ها از جمله "ای یورو نیوز"، دولت عراق از یک درآمد نفتی بین ۶ تا ۷ میلیارد دالر در ماه برخوردار می باشد. اما این ثروت و منابع طبیعی مردم عراق توسط ایادی گماشته شده امریکا در عراق، چپاول و عمدتاً به جیب کمپانی های امپریالیستی ریخته می شود.

پس از اشغال عراق توسط امپریالیسم امریکا در سال ۲۰۰۳ و پس از آن که ایالات متحده امریکا با برغماری حاکمی از خود در این کشور اشغال شده به نام "پل بریمر" (Bremer) به تحکیم موقعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی خود نایل آمد، با توجه به روحیات ضد امپریالیستی توده ها و مقاومت آنها، امریکائی ها ظاهراً از عراق خارج شدند و دولتی از خود عراقی ها به اداره کشور گماشته شد. ولی امریکائی ها با باقی گذاشتن مستشاران خود در این کشور نظمی در عراق سازمان دادند که غارت و چپاول منابع طبیعی و ثروت های این کشور و استثمار نیروی کار به قیمت بسیار ارزان را برای آنان تضمین نموده است. اما، "نظم و امنیت" برای حفظ منافع امریکا در کشور عراق برای توده های مردم جز تشدید فقر و فلاکت و دیکتاتوری و خفقان و نا امنی و به عبارت دیگر شرایطی به مراتب جهنمی تر از دوران صدام، ارمغان دیگری نداشته است. علاوه بر یک حکومت مرکزی دست نشانده و ارتشی امریکا ساخته در عراق که حاکمیت را به دست دارد، کنترل بخش هائی از کشور به دست دیگر نیروهای ضد انقلابی وابسته به امریکا گذاشته شده است که در هماهنگی با دولت مرکزی به حراست از سلطه امپریالیسم امریکا در این کشور مشغول بوده و این سلطه ضد خلقی را بر مردم تحمیل کرده اند. شمال (کردستان) تحت حاکمیت بارزانی است که اسرائیل و ترکیه هم در آنجا پایگاه هائی برای خود ایجاد کرده اند. سرکوب و کنترل مردم غرب و جنوب عمدتاً به جمهوری اسلامی سپرده شده است که از طریق مزدوران عراقی خود چون "مقتدا صدر" و گروه های مسلح دست ساز خود علیه توده ها در عراق اعمال قدرت می کند. البته جمهوری اسلامی در عین حال از طریق ایادی خود در دولت مرکزی، نقش برجسته ای نیز در تعیین سیاست های این دولت ایفاء می نماید.

در ابتداء نظریه ای در امریکا وجود داشت مبنی بر این که عراق به سه قسمت شیعه و سنی و کرد نشین تقسیم شود. اما به جای این امر، قانون اساسی نوشته شد که بر مبنای آن قدرت سیاسی در حکومت مرکزی بر اساس مذهب و ملیت تقسیم شد. به این صورت که رئیس جمهور می بایست کرد، نخست وزیر دارای مذهب شیعه و رئیس پارلمان از سنی ها باشد. درست بر این مبناست که روی بنری تاریخی که توده های قهرمان عراق پس از تصرف بلندترین برج عراق از دیوار آن آویزان کردند علاوه بر خواست های اساسی مردم، لغو قانون اساسی و حکومت احزابی که متعلق به "بریمر" هستند ("الوطن یرید اسقاط دستور بریمر" و "الوطن یرید اسقاط حکومت احزاب بریمر") و تغییر قانون انتخابات نیز عنوان شده اند. در آن بنر اسامی دشمنان مردم عراق با صراحت مطرح شده اند که در رأس آنها امریکا

قرار دارد و با گفتن نه به امریکا و همچنین به دیگر نیروهای مرتجع مداخله گر در عراق، اردوخان، عربستان سعودی، ایران (جمهوری اسلامی)، بعث، بارزانی و به دکان های خبری اسرائیل، خواستهائی نیز مطرح شده اند که برجسته ترین آنها اخراج ارتش امریکا و قواعدش، لغو معاهدات صندوق بین المللی پول، نفی نفوذ ایران، بیرون راندن ارتش ترکیه، و در آخر بین المللی کردن مسأله دجله و فرات (مربوط به محیط زیست) می باشند.

از همان آغاز، شعار نابودی نظام حاکم نه تنها در بنرها منعکس شد بلکه توسط توده های انقلابی نیز فریاد زده شد. با گذشت زمان ما شاهد افزایش روزمره خواستها و شعارهای دیگری هم هستیم که خواست مردم برای یک زندگی سعادت‌مندانه در آنها منعکس است و همچنین خط بطلان بر تبلیغاتی کشیدند که مردم عراق را متعلق به این یا آن گروه مذهبی و طایفه ای نشان می دهند. در این شعارها خواست سکولاریسم و نفی هر گونه مذهب و طایفه در دولت اعلام شده است به گونه ای که حتی در رسانه های امپریالیستی نیز انعکاس یافته اند. نظیر این شعار که وظیفه یک دولت مردمی را یادآوری می کند:

" مهم نیست حکمران کافر باشد یا مسلمان، مهم این است که دولت باید وظایف خود را که فراهم ساختن زندگی سعادت‌مندانه و تأمین کرامت مردم است، بدرستی انجام دهد. او وظیفه ندارد ما را به بهشت هدایت کند". این شعار در عین حال دروغین بودن تبلیغاتی را هم نشان می دهد که قیام مردم تحت ستم عراق را با مذهب توضیح داده و از آن به عنوان قیام "شیعیان" عراق نام می برند- گویی که از یکایک توده میلیونی که مثلاً در میدان تحریر این کشور تجمع می کنند مذهبشان پرسیده شده و آنها هم همگی اذعان داشته اند که شیعه مذهب اند!! همچنین شعار "به جای جدا کردن زن از مرد، دین باید از دولت جدا شود" (جدائی دین از دولت به جای جدائی زن از مرد)، و یا "لقمه نانی برای شکم گرسنگان، بهتر از ساختن مسجد است" ، "نان، آزادی، عدالت اجتماعی"، و بالاخره تأکید بر شعار "ما خواهان نابودی نظام هستیم و اگر حرف ما را نمی فهمید به (زبان) ایرانی می گوئیم: مردم می خواهند سیستم را براندازند." همگی این شعارها حاکی از عمق جنبش انقلابی جاری در عراق و درجه تشنه بودن مردم برای یک انقلاب و دگرگونی واقعی یعنی از بین بردن ریشه های مصایب خویش می باشند. این شعارها در کنار خواستهائی نظیر حق کار و زندگی، برقراری خدمات ابتدائی نظیر برق و آب و گاز و نیل به دموکراسی و آزادی، منعکس کننده محتوای خیزش توده ئی بزرگی ست که در عراق جریان یافته و خواست قلبی صد ها هزار تن از توده های به پا خاسته عراق را بیان می کنند. بنابراین، آنچه امروز در عراق به گوش می رسد صدای خیزش میلیونها تن از توده های تحت ستم این کشور است. صدای مردمی که نفی سلطه امریکا و سگان زنجیری اش چون جمهوری اسلامی در عراق را فریاد می زنند ، صدائی که ضرورت یک انقلاب برای برافکندن نظام اقتصادی- سیاسی ضد خلقی موجود را تأکید و پژواک می دهد. واقعیت این است که توده ها در شهرهای این کشور برای تغییر شرایط محنت بار زندگی خویش از طریق تغییر مناسبات استثمارگرانه موجود به خیابانها آمده اند. بیهوده نیست که آنها با سپر کردن سینه خود در مقابل گلوله های سرکوبگران فریاد نابودی نظام ظالمانه حاکم بر عراق و نابودی همه نیروهای مزدور حافظ این نظام را سر داده اند.

امروز توده های جان به لب رسیده و انقلابی عراق با دست زدن به اعتصاب، با تظاهرات عظیم توده ئی، با درگیری با نیروهای سرکوبگر و با حمله قهرمانانه به هر مرکز ستم و سرکوب در خیلی از نقاط کشور به مقابله با دشمنانشان برخاسته و علی رغم سرکوبهای وحشیانه حکومت مرکزی و نیروهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی که به قول خود رسانه های امپریالیستی "موازین حقوق بشر را زیر پا گذاشته و مرتکب خشونت ناموجه" می شوند (دویچه وله - فصل جدید سیاسی عراق و روزهای سخت حکومت ایران) ، همچنان با خشم و نفرت بی حد نسبت به سرکوبگران خود در صحنه نبرد باقی مانده اند. توده هائی که با حضور در خیابانها و درگیری با نیروهای مسلح، همه خطرات را

به جان می‌خرند و حتی در مقابل دوربین‌ها هم اعلام می‌کنند که برای تحقق خواسته‌هایشان باکی از مرگ ندارند. شکی نباید داشت که این حد از روحیه انقلابی و شجاعت در میان توده‌های رزمنده عراق که با از خود گذشتگی سینه خود را سپر گلوله‌های پر کین و ضد انقلابی دشمنانشان می‌کنند، واکنش و عکس‌العملی در مقابل کنش و اعمالی است که سالها بر این مردم تحت ستم اعمال شده است؛ بیانگر و انعکاس شرایط بس ظالمانه‌ای است که این مردم طی سالها پس از اشغال عراق توسط امپریالیسم امریکا متحمل شده‌اند. به زبانی دیگر باید گفت که این واقعیت بیانگر شدت گیری و تعمیق تضادهای طبقاتی در جامعه تحت سلطه عراق می‌باشد که امروز به نقطه اوج خود رسیده است. درست بر این مبنا است که تظاهرکنندگان دلیر عراقی خطاب به دشمنانشان می‌گویند: "ما (طرفدار) انقلاب خلق و شما (پیام آور) جنگ داخلی هستید!"

مسلم است که دشمنان جهت عقب‌راندن توده‌ها و به شکست کشاندن انقلاب آنها صرفاً به سرکوب اکتفاء نمی‌کنند بلکه روش‌ها و حیل‌های مختلفی را نیز به کار می‌بندند. مثلاً در همین دور دوم خیزش مردم عراق، مقتدی صدر، یکی از مزدوران وابسته به جمهوری اسلامی برای نفوذ در جنبش توده‌ها و انحراف مسیر مبارزات انقلابی آنان، در آغاز حمایت خود را از توده‌های به پا خاسته عراق ابراز کرد. یا یکی از چهره‌های شناخته شده گروه‌های شبه نظامی به نام ابو عزرائیل در میان توده‌های تظاهرکننده حاضر شد تا بتواند آنها را به مبارزه مسالمت آمیز دعوت کند. با این حال با پیشرفت و رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر جنبش، آن حمایت‌های لفظی و نمایشات همراهی با مردم نیز رنگ باختند. مرتجعین دیدند که مردم عراق از چنان آگاهی انقلابی برخوردارند که علیه خود آنان شعار می‌دهند و روی بن‌رهایشان می‌نویسند: "نه به بعث، نه به ایران، نه به بارزانی، نه به مقتدا، نه به سیستانی". به طور کلی، اکنون تمامی دشمنان توده‌های به پا خاسته در عراق از خود امپریالیسم امریکا گرفته تا دولت عادل عبدالمهدی و جمهوری اسلامی و بالاخره انواع دار و دسته‌های ارتجاعی دیگری که مجموعاً نیروهای استعمارگر و وابسته حاکم بر عراق را تشکیل می‌دهند، هر یک با به عهده گرفتن نقشی، به تکاپو افتاده‌اند تا جلو سیل عظیمی را که حرکت انقلابی مردم عراق علیه همه آنها به راه انداخته، بگیرند.

مقامات امریکائی نظیر پمپئو، وزیر خارجه، در حالی که ارتش دست ساز آنها با فرمان دولت مزدور عبدالمهدی و برخورداری از سلاح‌های امریکائی خون‌صدها تن توده‌های بی‌دفاع و غیر مسلح عراقی را در خیابانها به زمین می‌ریزند، و در شرایطی که امریکا بزرگترین حامی سیاسی و نظامی دولت عبدالمهدی ست، "خشونت" را محکوم کرده و مدعی شده که "در تظاهرات مردم خشونت چه از سوی نیروهای امنیتی و چه از سوی تظاهرکنندگان جایی ندارد" (صحبت‌های تلفونی مایک پمپئو با نخست‌وزیر عراق). همچنین وزیر دفاع امریکا با دفاع از روابط دولتش با حکومت عراق تأکید می‌کند که "ایالات متحده همچنان بر اساس توافقنامه چارچوب ستراتیژیک بین دو کشور به ایجاد یک عراق نیرومند، برخوردار از حاکمیت ملی و مرفه متعهد است." و به این وسیله و با این عبارات دروغین مردم پسندانه، حمایت خود از حکومت دست‌نشانده خویش در عراق را بار دیگر اعلام می‌کند. مقامات ضدخلقی جمهوری اسلامی نیز که در طول سالها با صرف میلیاردها دلار از خزانه مملکت و به واقع از ثروت‌های مردم محروم ایران، مأموریت حمایت و نگهداری از پایه‌های حکومت وابسته به امریکای حاکم بر عراق را بر عهده دارند نیز اکنون که می‌بینند چگونه به دلیل نقش‌شان در حفاظت از همین حکومت وابسته و سرکوبگر، خود نیز بحق به یکی از آماج‌های قیام توده‌های به پا خاسته عراقی بدل شده‌اند، با ردالت تمام جنبش توده‌ئی کنونی را حاصل تحریکات خارجی جا می‌زنند. هر یک از این دشمنان توده‌های عراق با این مواضع، در صدد نفی حقانیت خیزش مردم به پا خاسته عراق برای انقلاب هستند.

در این میان یکی از خطوط عوام‌فربانه‌ای که برای انحراف افکار عمومی از دلایل خیزش انقلابی مردم عراق توسط بوق‌های تبلیغاتی وابسته به امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی و پرو امپریالیست اشاعه یافته و توسط نیروهای سازشکار و دوستان نادان خلق در کشور ما نیز تکرار می‌شود عبارت از این است که گویا مردم عراق اساساً نه برای پایان دادن به سلطه امپریالیسم امریکا بر کشورشان و تغییر شرایط برده وار زندگی و کار خویش بلکه برای بیرون راندن مزدوران جمهوری اسلامی از عراق و "قطع نفوذ" آخوندهای حاکم بر ایران از کشور عراق است که به پا خاسته اند. اشاعه دهندگان این تحلیل‌های عوام‌فربانه برای استتار چهره جنایتکار امپریالیسم امریکا و نتایج فاجعه بار اقتصادی و سیاسی و نظامی ناشی از ۱۶ سال اشغال و سلطه مستقیم دولت امریکا بر عراق، از جمهوری اسلامی چهره قدرت اصلی و حاکم بر جان و مال مردم عراق را ارائه می‌دهند و با این کار آشکارا چهره قدرت واقعی یعنی امپریالیسم امریکا را می‌پوشانند و می‌کوشند تا آن را از زیر ضرب توده‌های به پا خاسته و نفرت افکار عمومی خارج کنند و همه توجه توده‌ها را به سوی رژیم جمهوری اسلامی جلب کنند که در واقعیت نیز برای حفظ سلطه امپریالیسم امریکا در عراق به هر اقدام ردیالانه و جنایتکارانه علیه توده‌های انقلابی عراق دست می‌زند. نتیجه عملی چنین تحلیل‌هایی نیز آن است که گویا با قطع نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و از آن کمتر اخراج مقامات و مهره‌های این رژیم از عراق ریشه مشکلاتی که باعث بزرگترین خیزش توده‌ئی یک دهه اخیر در عراق شده حل خواهد شد. اما چنین تحلیلی، آب ریختن به آسیاب امپریالیسم امریکا و توهینی به آگاهی توده‌های به پا خاسته عراقی و لاپوشانی حقیقت است.

مردم عراق به خاطر شرایط مادی زندگی محنت بار خویش یعنی فقر و بیکاری و گرانی و فساد و فقدان کمترین خدمات اجتماعی و جنگ افروزی و سرکوب ابتدائی‌ترین خواسته‌هایشان که حاصل سلطه امریکا و غارت ثروت‌های آن کشور می‌باشد، به پا خاسته و دست به انقلاب زده اند. تمام این عوامل مادی حاصل شرایطی است که امپریالیسم امریکا و دولت خدمتگزار آن در عراق در طول سالها بر حیات و هستی توده‌های تحت ستم حاکم کرده اند و به کمک انواع دار و دسته‌های ارتجاعی و دولتهای منطقه نظیر جمهوری اسلامی از آن حفاظت کرده اند. در رابطه با مردم کرد تحت ستم در عراق نیز واقعیت این است که با سپرده شدن حاکمیت بر این توده‌ها به دست بارزانی، شکافی بین مبارزات آنان با توده‌های هم‌سرنوشت خود در نقاط دیگر عراق ایجاد شده است. در حالی که مدت زیادی از عصیان این خلق محروم علیه حکومت بارزانی نیز نمی‌گذرد، عصیان و شورشی که نشان داد که رواج ایده‌های ناسیونالیستی در میان مردم کرد قادر نیست بر خواست توده‌ئی برای یک زندگی آزاد و بدور از فقر و فلاکت سرپوش بگذارد.

امروز در رابطه با نفی سلطه امریکا یک مبارزه آشکار ضد امپریالیستی در عراق در جریان است. علی‌رغم همه سیاست‌های نواستعماری فریبکارانه امریکا در عراق که کوشیده است سلطه خود بر کارگران و زحمتکشان و دیگر توده‌های تحت ستم این کشور را از طریق ایادی بومی و نیز رژیم خدمت گزار خود جمهوری اسلامی پیش ببرد، مردم عراق امروز در شعارها و بنرهایشان آشکار می‌سازند که علیه اشغال کشورشان توسط امریکا و ایادی اش می‌باشند. آنها به صراحت به امریکا نه می‌گویند و همچنین شعارهایی علیه نفوذ و دخالتگری جمهوری اسلامی سر می‌دهند که شعارهایی چون "ایران برو گمشو" و سوزاندن پرچم جمهوری اسلامی و چوب زدن به تصویر خامنه‌ای و قاسم سلیمانی از نمودارهای این امر می‌باشند. رساتر از همه این شعارها که بیانگر آگاهی و خواست مردم بر نفی سلطه امپریالیسم امریکا بر کشورشان می‌باشد، شعارهایی هستند که عمق خواسته‌های توده‌ها در آنها منعکس می‌باشند نظیر: "خلق ما خواهان سیادت خویش و اخراج نیروهای امریکائی و پایگاه‌هایشان هستند" و شعار گویا و تعرضی: "در تاریخ نوشته خواهد شد که شما با تانک‌های امریکائی بر عراق حاکم شدید. ما با همین توک توک‌ها

آن را از شما می‌گیریم". منظور از "توک توک" ماشین‌های کوچکی است که راننده‌های آنها را محروم‌ترین قشر جامعه تشکیل می‌دهند. این روزها بیشترین حمل و نقل زخمی‌ها و کارهای خدماتی دیگر در خدمت به انقلاب توسط این راننده‌ها صورت می‌گیرد. مثلاً آنها زخمی‌ها را برای مداوا به محلی که دانشجویان پزشکی مبارز در آنجا هستند می‌برند.

با توجه به تبلیغات رسانه‌های امپریالیستی و دنباله‌روانشان که سعی در استتار چهره آمریکا (به مثابه دشمن اصلی توده‌های خاورمیانه و جهان) با تأکید بر نقش ضد انقلابی جمهوری اسلامی در عراق هستند باید گفته شود که از آغاز اشغال این کشور توسط ارتش آمریکا و متحدینش، نقش جمهوری اسلامی در عراق، کارگزاری برای سیاست‌های امپریالیستی و کمک به بقای دولت مرکزی این کشور با حمایت‌های مالی و نشر خرافات مذهبی به منظور حفظ و تحکیم بندهای نظام امپریالیستی حاکم بر زندگی توده‌ها بوده است. در واقع، جمهوری اسلامی تنها یکی از ابزارهای متعدد امپریالیسم آمریکا در خلق شرایط کنونی در عراق ست و نه ریشه مصایب توده‌های زحمتکش عراقی. این رژیم امروز با عملکردهای سرکوبگرانه و وحشیانه‌اش علیه مردم ستمدیده عراق، بیش از پیش به عاملی برای از زیر ضرب خارج کردن دشمن اصلی مردم عراق یعنی امپریالیسم آمریکا تبدیل شده و نقش سپر بلا را برای آن ایفاء می‌کند. تمرکز رسانه‌های ارتجاع بر نقش جمهوری اسلامی در عراق و جلوه دادن آن به عنوان عامل اصلی اعتراضات مردم در عراق، سیاستی در خدمت امریکا است تا این امپریالیسم فرصت تطبیق خود با شرایط جدید را بیابد.

بررسی روندهای جاری و چگونگی رشد و تکوین خیزش انقلابی توده‌ها در عراق، شعارها و خواسته‌های این جنبش و تداوم عزم مردم به پاخاسته برای تحقق اهدافشان به رغم دادن چند صد شهید و هزاران زخمی، نشان می‌دهند که جنبش جاری در عراق یک جنبش ضد سلطه امپریالیسم، ضد اشغالگری امپریالیستی و پایگاه‌های نظامی و ارگانهای بوروکراتیک و سرکوبگر دست ساز آن در عراق و من جمله سیاهچالهای ابوغریبی شان در این کشور می‌باشد. جنبشی علیه حکومت مرکزی وابسته به آمریکا در عراق به مثابه پاسدار این نظم ضد خلقی، علیه جمهوری اسلامی و همه نیروهای مرتجع دیگری است که در سراسر این کشور در خدمت به سلطه امپریالیسم آمریکا نقش ضد انقلابی خود را ایفاء می‌کنند. تحلیل‌هایی که بدون در نظر گرفتن وابستگی حکومت مرکزی عراق و خود جمهوری اسلامی به امپریالیسم آمریکا، هدف اصلی قیام‌کنندگان در عراق را صرفاً قطع "نفوذ" جمهوری اسلامی در این کشور جار می‌زنند، صرفنظر از این که چه منافع طبقاتی آنها را به چنین برخوردی وادار نموده است، حتی صورت مسأله را نفهمیده‌اند.

وظیفه تمام نیروهای انقلابی ست که ضمن حمایت از تمام خواسته‌های بحق توده‌های به پاخاسته عراقی که با هدف نابودی نظام جابرانه کنونی و پاسدارانش، خونشان بی‌محابا در جنگی خونین و نابرابر با دشمنانشان بر زمین ریخته می‌شود، چهره دشمن اصلی مردم عراق یعنی امپریالیسم و خدمتگزاران رنگارنگش در هر لباسی - از جمله جمهوری اسلامی- را افشاء کرده و برای گسترش و تقویت این جنبش انقلابی بکوشند.